

بولنت ارس - عمر کاهان*

سید اسد الله اطهری**

چکیده

جنبش اسلام‌گرای ترکی به رهبری «فتح‌الله گولن»، یکی از جالبترین نمونه‌های تفکر اسلام‌گرایی لیبرال در خاورمیانه است. گولن و پیروان وی کوشیده‌اند تا جنبشی سیاسی-مذهبی به طرفداری از مدرنیسم، ناسیونالیسم ترکی، تساهل و دموکراسی بدون قربانی کردن احکام مذهبی برپا کنند، و امروزه ساختار و فلسفه این جنبش و رهبری آن در بسیاری از گروهها و نهادهای آموزشی تجلی یافته است. تعدادی از نخبگان سکولار ترکیه جنبش گولن را تحولی مترقی می‌دانند، اما عده‌ای دیگر وی را تهدیدی پنهان ارزیابی می‌کنند. به نظر می‌رسد که مطالعه این جنبش اسلام‌گرا و بررسی آثار آن در درک تحولات معاصر ترکیه مفید باشد.

کلید واژه‌ها: جنبش‌های اسلام‌گرا، اسلام‌آنتولیایی، سکولاریسم، ناسیونالیسم ترکی، جنبش نور، جنبش اسلام‌ترکی.

* استاد یار روابط بین‌الملل در دانشگاه فاتح (استانبول) استاد یار علوم سیاسی در دانشگاه فاتح (استانبول)
Bulent Aras and Omer Caha, "Fethullah Gulen and His Liberal "Turkish Islam Movement,"
Meria, Vol. 4, No. 4, December 2000.

** دکتری علوم سیاسی و کارشناس ارشد مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه

فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال نهم، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۱، ص ۸۲-۵۹

جماعتی که تحت نفوذ «فتح الله گولن»، از رهبران مذهبی برجسته ترکیه، است در عین حال دارای ویژگیها و خصوصیات اسلامی، ناسیونالیستی، لیبرالی و مدرن است. توانایی این جماعت برای آشتی دادن ارزشهای سنتی، اسلامی با زندگی مدرن و علم باعث جذب مخاطبان زیادی به سمت گولن شده است. این گروه همچنین توانسته است اندیشه‌ها و گروههای انسانی متفاوتی از جمله فقیر و ثروتمند، تحصیل کرده و بی سواد، ترک و کرد، و نیز مسلمان و غیر مسلمان را گرد هم آورد. به علاوه، جنبش گولن می تواند الگویی برای آینده فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی اسلامی باشد.

دو عامل اصلی تأثیرگذار بر جنبش

نگرش و دیدگاههای جنبش گولن درباره اسلام در تطبیق و مقایسه با دیدگاههای گروههای بنیادگرای اسلامی به نحو شگفت آوری لیبرال و مدارا جویانه در برابر سبک زندگی غیر اسلامی است. با این حال این رهیافت ممکن است ناشی از تجربه طولانی و خاص مردم آناتولی و پویایی تاریخی منحصر به فرد زندگی اجتماعی-فرهنگی ترکیه باشد؛ به عنوان مثال، این جنبش تحت تأثیر مفهوم اسلام ترکی ابداعی برخی از متفکران ملی گرا و نیز جنبش نور است که با نوشته های سعید نورسی به وجود آمد.

وعده اصلی جنبش «اسلام ترکی» میانه روی است. از زمانی که مردم ترک تبار اسلام را پذیرفتند، در شناخت و عمل به آن تحت تأثیر عقاید صوفیانه بوده اند. جنبشهای اسلامی صوفی گرایانه همواره از امور سیاسی دوره خویش فاصله می گرفتند، در حالی که در مورد دیگر جنبشهای اسلامی این گونه نبوده است، مثلاً شیعیان خود را بر مبنای یک «دیگر» خیالی [و در مقابل آن] تعریف می کردند؛ کسانی که از حقیقت حمایت نمی کنند، بدین ترتیب آنان همواره در مورد ماهیت صحیح دولت و اینکه چه کسی باید قدرت را در دست داشته باشد مواضع معینی داشته اند، اما سنت صوفی گری خود را بر فلسفه ای مبتنی می داند که در آن باید تمامی مخلوقات را به عنوان مظهر و تجلی فیزیکی خداوند و برخوردار از عشق خالق دوست داشت؛ در این نظام جایی برای «دشمنان» یا «دیگران» نیست.

اسلام در تاریخ سیاسی ترکیه در تمامی دوران حاکمیت سلجوقیان و عثمانی ها تحت هدایت حکومت و موضوعی مربوط به حوزه شخصی افراد بوده است. اعتقاد غالب این بود که یک سلطان واقعاً مذهبی بر اساس اصول عدالت، برابری و پرهیزگاری حکومت را در دست بگیرد. این رهیافت، یعنی جدا نگه داشتن مذهب از امور دنیوی، منجر به ایجاد خاطره ای جمعی گردید که اسلام را یک نظام اعتقادی انعطاف پذیر و اهل تسامح و تساهل می دانست. از این رو، فرض بر این بود که نهادهای مذهبی دیدگاههای انعطاف پذیری در قبال اوضاع متغیر دوران خویش داشته باشند. در دوره عثمانی هیچ گاه یک نظام تئوکراتیک تمام عیار وجود نداشت. اصول «شریعت» در حوزه زندگی خصوصی کاربرد داشت، اما زندگی عمومی جامعه بر مبنای عرف که دولت متصدی و مسئول تدوین آن بود تنظیم می شد.^۱ این جنبه از سیستم سیاسی عثمانی نقش مذهب را کم رنگتر می ساخت.

علاوه بر آن، امپراتوری عثمانی پذیرفته بود که دولتی چند مذهبی باشد که در آن، مسیحیان و یهودیان قوانین خاص خود را داشته باشند. تسلط غرب بر جهان اسلام در قرن نوزدهم برخی از مسلمانان را وا داشت تا برخی از ایده ها و اندیشه های غربی را رد کنند، اما عثمانی ها بسیاری از نوآوریهای غربی را اقتباس نمودند؛ به عنوان مثال، آنها مدارس به سبک غربی - حتی برای زنان - تأسیس، و برنامه های عمده ای برای اصلاحات و حقوق بشر تدوین کردند (فرمان تنظیمات در سال ۱۸۳۹ و فرمان اصلاحات در سال ۱۸۵۶). آنها همچنین به تدوین قانون اساسی پرداختند و در سال ۱۸۷۶ پارلمان تأسیس کردند. در عین حال، سعید نوری به یکی از حامیان سرسخت نظام پارلمانی در آن دوره و سپس رژیم جمهوری در ترکیه تبدیل شد.

علاوه بر این میراث ترکی-اسلامی، یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار بر جنبش گولن، جنبش نور، یا جنبش رساله نور، بود. این جنبش متأثر از سعید نوری (۱۹۶۱-۱۸۷۷)، یکی از مقامات برجسته مذهبی، و نوشته های وی (رساله نور) سازمان یافت و پس از سال ۱۹۵۰ در سراسر ترکیه گسترش پیدا کرد. به رغم تلاشهای دولت که با آن به مقابله برخاسته بود، این جنبش در میان جوانان و به ویژه تحصیل کرده های نظام آموزشی سکولار ترکیه با

اقبال زیادی مواجه شد. دلیل اصلی این موفقیت آن بود که نوری اظهار می داشت هیچ تضادی میان مذهب و علم وجود ندارد.^۲ میانه روهای مذهبی نیز به دلیل تأکید رساله نور بر ارتباط اسلام با عقل، علم و مدرنیته از آن استقبال کردند. این جنبش همچنین این اندیشه را که برخورد شرق و غرب ضروری و یا مطلوب است رد می کند و مدافع استفاده از عقل در مسایل مربوط به اعتقادات اسلامی است.^(۱)

زندگی فتح الله گولن

گولن در سال ۱۹۳۸ در ارز روم که در شرق ترکیه واقع است، متولد شد و زبان عربی و تعلیمات مذهبی را از پدرش فراگرفت.^۳ در سال ۱۹۵۳ حرفه واعظ دولتی، تنها منصب قانونی واعظان در ترکیه، را پیش گرفت و در سال ۱۹۵۸ در یکی از مساجد ادرنه به تدریس پرداخت. چهار سال بعد به ازمیر منتقل و جنبش وی در آنجا آغاز شد که برخی آن را «جماعت ازمیر» نام گذاشتند. در دوره حاکمیت نظامیان که در سال ۱۹۷۱ آغاز شد گولن به اتهام فعالیتهای مذهبی مخفی (برپایی اردوگاههای تابستانی برای ترویج ایده ها و اندیشه های اسلامی) دستگیر و به مدت ۷ ماه زندانی شد. در اوایل دهه ۱۹۸۰ پرونده ای بر ضد وی توسط پلیس باز شد، اما به دلیل بردباری نسبی اقلیت نظامی حاکم بر ترکیه در قبال اسلام، گولن دستگیر نشد. در دوره نخست وزیری تورگورت اوزال، وی از حمایت رسمی دولت برخوردار شد و اینک نیز بازنشسته است و در ازمیر استانبول در خانه ای ساده و بی پیرایه که پیروانش به وی تقدیم کرده اند، زندگی می کند و همچنان به نوشتن ادامه می دهد.^۴

۱. سعید نوری از جریانهای آزادی خواهی در برابر استبداد عبدالحمید حمایت می کرد، تا آنجا که در سال ۱۹۰۸ در سلانیک با لحنی حمایت گرانه از ترک های جوان و سیستم قانون اساسی خطابه ای ایراد کرد. لحن خطابه طوری است که ناطق آزادی را بدین شکل که اگر آزادی نباشد، کسی ایمان ندارد تفسیر می کند، بدین معنی آنجا که آزادی نیست ایمان هم نیست. برای سعید نوری تعریف کلمه ایمان در امپراتوری عثمانی برای امنیت و آسایش گروههای متعددی از نژادها و ملیتهای مختلف که در آن جامعه می زیستند، حایز کمال اهمیت بود. او مخالف این جریان بود که دولت و احزاب، اسلام و دین را وسیله کار خود قرار دهند. اگر بگوییم که دموکراسی جریانی است برای حمایت از تنوع و گوناگونی بافت اجتماعی و رعایت احترام و ارزش نوع انسان، آن وقت باید بگوییم که سعید نوری هم انسانی بود خواستار جامعه مدنی. نگاه کنید به: ماکان یاووز، «کثرت گرایی اسلام در ترکیه»، نامه فرهنگ، سال ششم، شماره چهارم، ۱۳۷۵، ص ۲۴. (م)

گولن در طول دورهٔ فعالیت‌های خویش توسط پیروانش با عنوان معلم محترم (حوجه افندی) خطاب می‌شد. او به تمامی نقاط ترکیه سفر کرده است، و در خارج از ترکیه نیز دربارهٔ موضوعاتی چون قرآن و علم معاصر، برداشت و فهم اسلامی از داروین و عدالت اجتماعی در اسلام سخنرانی‌هایی داشته است. گولن هم با منابع سنتی اسلامی و هم فلسفه غرب آشناست و علاقه ویژه‌ای به امانوئل کانت دارد.^۵ وی سخنران قابل‌ی است و کتابهایش نیز جزو کتابهای پر فروش ترکیه بوده‌اند. نوریه اکمان، از روزنامه نگاران برجسته ترکیه، درباره وی می‌گوید:

«او شبیه جنتمن‌های سبک قدیم است که در کتابهای قدیمی درباره‌اش خوانده‌ایم و در فیلمهای قدیمی دیده‌ایم. او در جملاتش یک در میان می‌گوید: استغفرالله. او با عبارتهای دقیق، محترمانه و مؤدبانه سخن می‌گوید و بی‌نهایت خاضع و فروتن است... وی هنگام سخن گفتن لحن یکنواختی دارد و می‌داند چه خواهد گفت و از دستور زبان صحیح و واژگان دورهٔ عثمانی‌ها استفاده می‌کند.»^۶

اندیشه‌های فتح‌الله گولن

گولن علاقه‌ای ندارد که دولت، شریعت یا قوانین اسلامی را به کار گیرد. وی به این مسئله اشاره می‌کند که بیشتر قوانین و احکام اسلام دربارهٔ زندگی شخصی انسانهاست و فقط بخش کوچکی از آنها به حکومت و کشورداری مرتبط می‌شود. او معتقد است که دسته دوم را لازم نیست به اجرا بگذاریم، زیرا مذهب موضوعی شخصی است و الزامات آن را نباید بر همه تحمیل کرد.^۷ گولن آن بخش از احکام اسلامی را که به طور مستقیم با حکومت و کشورداری مربوط می‌شود، مانند: احکام و قوانین مربوط به مالیات و جنگ و درگیریها، در بطن واقعیت‌های معاصر می‌نگرد.

گولن معتقد است بهترین شکل حکومت آن است که دموکراتیک باشد و از همین رو از رژیمهای ایران و عربستان سعودی انتقاد می‌کند. در عین حال وی با این گفته سعید نورسی

موافق است که جمهوریت انطباق زیادی با مفهوم مشورت دارد که در منابع اسلامی درباره اش بحث شده است. علاوه بر آن، او از این نگران است که رژیمهای اقتدارگرا عقاید متفاوت را به شدت تحت کنترل خود درآورند. گولن در عین حال نقش دولت را در حفظ ثبات بسیار مهم می داند.

اهداف گولن، به طور هم زمان، اسلامی کردن ایدئولوژی ناسیونالیستی ترکیه و ترکی کردن اسلام است. وی امیدوار است که ارتباط میان مذهب و دولت بار دیگر مانند دوره عثمانی که رهبران زندگی خصوصی خود را بر مبنای احکام اسلامی تنظیم می کردند، احیا شود. چنین رهیافتی از دید وی باعث تقویت دولت و بدینسان حفاظت از جامعه از طریق بسط و گسترش دادن مشروعیت دولت و تقویت توانایی اش برای بسیج توده ها خواهد شد. گولن معتقد است که استنباط و تجارب مردم آناتولی از اسلام، متفاوت از استنباط و تجارب دیگران به ویژه عرب هاست. او از اسلام آناتولیایی و مبتنی بر تسامح و تساهل و عاری از محدودیتهای سخت گیرانه یا فئاتیسم می نویسد و به طور مرتب بر لزوم آزادی عبادت و اندیشه در ترکیه تأکید می ورزد. وی دو پیشنهاد مهم برای تأمین صلح و آرامش در جامعه دارد: تسامح و تساهل و گفتگو^(۱). از دید او، اگر بتوانیم همدیگر را با سعه صدر تحمل کنیم، در کشور اعتماد، صلح و آرامش حاکم خواهد شد.^۸ همچنین هیچکس نباید دیگری را به سبب پیروی از مذهبی خاص لعن و نفرین کند و یا شخصی را به سبب الحاد (آتئیست بودن) تحقیر و سرزنش کند.^۹

عقاید گولن درباره تسامح و تساهل و گفتگو به مسلمانان محدود نمی شود، بلکه مسیحیان و یهودیان را نیز در بر می گیرد. وی دوبار با پاتریارک بارتولومئوس، رهبر ارتدوکس های یونانی، در استانبول ملاقات و گفتگو داشته است و چند بار نیز با رهبران مسیحیان و یهودیان برای ترویج گفتگوی میان مذاهب دیدار و گفتگو کرده است. گولن در فوریه ۱۹۹۸، در رم به دیدار پاپ رفت و یکی از خاخام های ارشد اسرائیلی را نیز در ترکیه به حضور پذیرفت. ملاقات میان پاپ و گولن با انتقاد برخی محافل در ترکیه مواجه شد. برخی اظهار داشتند که گولن با این ملاقات کوشید خود را همچون رهبر اسلام در جهان نشان دهد.

1. Dialogue

برخی دیگر نیز گفتند این ملاقات توطئه ای بود تا او و جماعت پیرامونش را دربرگیرنده تمامی بخشهای جامعه و برخوردار از موقعیتی فراتر از موقعیت دولت نشان دهد.

گولن همچنین دیدگاههای مترقیانه ای درباره حقوق زنان دارد. او معتقد است که حجاب زنان جزو مسایل فرعی اسلام است و هیچکس نباید پیشرفت زنان را از طریق لباسی که آنان می پوشند، مانع شود. گولن همچنین می گوید که «هیچکس نباید به سبب نوع لباس یا اندیشه اش مورد انتقاد قرار گیرد.»^{۱۰} افزون بر آن، وی می گوید: «زنان می توانند پستهای مدیریتی برعهده گیرند» و این برخلاف دیدگاههای بیشتر روشنفکران اسلامی است. با وجود این دیدگاهها، زنان متجدد شاغل در ترکیه هنوز هم عقاید گولن را قابل پذیرش نمی دانند.

گولن طرفدار آن نوع آموزشی است که موجب پیوستگی با جهان مدرن می شود. بنا به گفته مهمت اوز قره گز، یکی از مسلمانان مؤمن و تحصیل کرده آمریکا، «یکی از اصول اساسی اسلام کسب دانش است. ما در حال حاضر غرب را بهترین منبع تکنولوژی می شناسیم، گرچه ترجیح می دهیم جهان اسلام در این زمینه پیشرو باشد.»^{۱۱} گولن همچنین آرزو می کند که اسلام به نظامهای اقتصادی و سیاسی بین المللی ملحق شود. او همچنین از تلاشهای ترکیه برای پیوستن به اتحادیه اروپا حمایت می کند.

در اینجا، گولن متأثر از سعید نورسی است. نورسی معتقد بود که برخی از اقدامات غیر مسلمانان به آینده بشریت لطمه زده است، اما از همکاری میان تمامی مذاهب به عنوان اقدامی متقابل حمایت می کرد. گولن حتی قدم از این فراتر می گذارد و دامنه تسامح و تساهل خویش را چنان می گستراند که سکولاریست ها و غیر مسلمانان ترکیه را نیز در بر می گیرد. وی این رهیافت را راهی برای احیای کثرت گرایی فرهنگی امپراتوری عثمانی، تأمین ثبات ترکیه و جلوگیری از بروز کشمکشهایی از نوع منازعه میان اهل سنت و علوی ها می داند.

جنبش فتح الله گولن

گولن به موقعیتهای زیادی در دست یابی به هدف خود که ایجاد یک جماعت مسلمان مخالف اسلام سیاسی بود، نایل آمد. هیچکس نمی داند که تعداد واقعی گروه بزرگ پیروان

گولن که به «طرفداران فتح‌الله»^(۱) معروف بودند و البته گولن خود به شدت با این نام مخالف بود، چند نفر است، اما تخمین زده می‌شود که این تعداد بین دویست هزار تا چهار میلیون نفر باشد که تحت تأثیر عقاید گولن هستند. این گروه بیش از همه در میان جوانان شهرها و به ویژه میان پزشکان، دانشگاهیان و دیگر قشرها طرفدار دارد و تا حدودی از طریق فعالیتهایی مانند تأسیس خوابگاههای دانشجویی، اردوگاههای تابستانی، دبیرستان، دانشگاه، مراکز آموزشی و فرهنگی و مراکز انتشاراتی گسترش یافته است. گرچه گولن تنها رهبر گروه است، تعدادی از مریدان دیرینه وی، امور این جماعت را اداره می‌کنند.^{۱۳}

گولن در جناح راست طیف سیاسی ترکیه وزنه سیاسی قابل توجهی است و به همین دلیل است که رهبر این احزاب مایلند تماسهای نزدیکی با او داشته باشند. از سال ۱۹۹۴ گولن با یک رییس جمهور، یک نخست وزیر، و رهبران بسیاری از احزاب و بازرگانان مهم و سرشناس ملاقات کرده است و به طور مرتب با رسانه‌های برجسته ترکیه مصاحبه دارد. در سال ۱۹۹۷ سلیمان دمیرل، رییس جمهوری وقت ترکیه، جایزه‌ای از طرف یکی از سازمانهای گولن پذیرفت و فعالیتهای آموزشی جنبش گولن را ستود.

گولن همچنین با بولنت اجویت، رهبر دیرینه جناح چپ ترکیه و نخست وزیر وقت این کشور، ملاقات داشت. اجویت پس از این ملاقات گفت: «محور اصلی گفتگوها با گولن مذهب و فلسفه بوده است. این ملاقات جنبه سیاسی نداشت و از نظر من، گولن انسانی صادق و صریح است و ملاقات ما ثمر بخش و مفید بود.»^{۱۴} این اظهارات اجویت از آن جهت حایز اهمیت است که نشان می‌دهد عقاید گولن توانسته حتی در میان چپها نیز گوش شنوایی بیابد.

پیروان گولن برای ترویج عقاید وی سازمانهای گوناگونی تأسیس کرده‌اند؛ به عنوان مثال «بنیاد معلمان ترک»^(۲) ماهنامه‌ای به نام سیزینتی^(۳) (بدون سانسور)، و دو نشریه علمی با عناوین ینی‌امیت^(۴) (امید نوین) و فونتین^(۵) (سرچشمه) منتشر می‌کنند. آنان همچنین

1. Fethullah Cilar
2. Turkish Teacher's Foundation
3. Sizinti
4. Yeni Umit
5. Fountaion

سمپوزیوم‌های ملی و بین‌المللی، میزگرد، و کنفرانس برگزار می‌کنند. یکی دیگر از بنیادها به نام «بنیاد روزنامه نگاران و نویسندگان»، روشنفکران سکولاریست و اسلام‌گرا را در نشست‌هایی که ابانت^(۱) نامیده می‌شود، گرد هم می‌آورد و این طرز تلقی را مطرح می‌کند که هیچ فرد و گروهی حق ندارد خود را مفسر انحصاری اسلام بداند و سکولاریسم نیز به معنای ضد مذهب بودن نیست.^{۱۵} این بنیاد، کنفرانس‌هایی برگزار کرده و از روشنفکران برجسته دعوت کرده است که درباره موضوع‌های گوناگون مانند گفتگوی تمدن‌ها به بحث بنشینند. دیل اف. ایکلمن از کارشناسان مسایل اسلام در آمریکا، گولن را پاسخ ترکیه به بیلی گراهام، کشیش رسانه-محور آمریکایی، می‌نامد. گولن در برنامه‌های تلویزیونی، مصاحبه‌ها و خطابه‌ها درباره اسلام و علم، دموکراسی، مدرنیته، تسامح و تساهل مذهبی و ایدئولوژیک، اهمیت آموزش و رویدادهای جاری سخن می‌گوید.^{۱۶} جماعت گولن همچنین برای خود رسانه‌ای هم دارد که روزنامه زمان، کانال تلویزیونی سامان یولو و ایستگاه رادیویی جورج از جمله آنها هستند. علاوه بر آن، این گروه نوارهای صوتی و تصویری نیز توزیع می‌کند. جمعی از روشنفکران برجسته دانشگاه‌های معتبر ترکیه هم در فعالیتهای این جنبش شرکت دارند.

جماعت گولن حدود ۱۰۰ مدرسه در ترکیه دارد. این مدارس نیز از همان سرفصل‌هایی استفاده می‌کنند که در مدارس دولتی ارایه می‌شود. آنها تحت کنترل شدید هستند، اما بر ارزشهای محافظه کارانه مانند رفتار نیک و احترام به بزرگ‌ترها تأکید می‌کنند. بودجه این مدارس را اعضای جماعت تأمین می‌کنند و مربیان و آموزگاران آن از فارغ‌التحصیلان بهترین دانشگاه‌های ترکیه هستند. به محض اینکه مدارس کار خود را آغاز می‌کنند، مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرند و کمک‌های بیشتری به آنها می‌شود. کیفیت آموزش مدارس نیز بسیار بالاست.

فتح‌الله گولن بر مبنای گرایش‌های ترکی خود توجه به جمهوریهای ترک زبان شوروی سابق را تشویق می‌کند و در این کشورها نیز پیروان وفادار زیادی دارد. پیروان گولن در سال ۱۹۹۶، بانکی به نام آسیافاینانس تأسیس کردند که مبتنی بر بهره نبود و ۱۶ شریک از آن حمایت مالی می‌کنند؛ سرمایه بانک ۱۲۵ میلیون دلار و هدف آن نیز جمع‌آوری پول برای

1. Abant

سرمایه گذاری در جمهوریهای ترک زبان است. گولن امیدوار است بدین ترتیب توجه بازرگانان ترکیه را به سوی کشورهای تازه تأسیس جلب کند و باعث تحکیم مناسبات ترکیه با این کشورها شود.

پیروان گولن بیش از دویست مدرسه نیز در سراسر جهان از تانزانیا گرفته تا چین دایر کرده اند، اما بیشتر آنها در جمهوریهای ترک زبان است. مدارس تأسیس شده در جمهوریهای ترک زبان بیشتر از فلسفه مبتنی بر ناسیونالیسم ترکی حمایت می کنند تا از فلسفه مبتنی بر اسلام. یک گزارشگر گفته است: «گولن می خواهد از بالکان تا چین شاهد نخبگانی باشد که ترکیه را الگوی خود قرار داده اند.»^{۱۷} از نقطه نظر گولن ارزشهای ترکیه شامل میراث برجای مانده از عثمانی ها، سکولاریسم، اقتصاد بازار و دموکراسی است. این مدارس حتی دانش آموزان غیر مسلمان را می پذیرند و به دلیل کیفیت آموزش بالا و شاید هم استفاده از زبان انگلیسی به عنوان زبان اصلی آموزش، فرزندان نخبگان و مقامات دولتی در کشورهای گوناگون را جذب خود می کنند. این جماعت از تشکیل کشوری با الگوی سکولاریستی هم در جمهوری آذربایجان و هم در آسیای مرکزی حمایت می کند.^{۱۸} شاهین آلبای، یک تحلیلگر ترک، گفته است که «فارغ التحصیلان این مدارس به موقعیتهای مهمی در میان سایر اقشار جامعه در کشورهای تازه تأسیس دست خواهند یافت.»^{۱۹}

گفتنی است که گروه گولن تفکر تشکیل «امت اسلامی» را در این منطقه ترویج می کند که چندان درست به نظر نمی رسد. رهبران اقتدارگرای جمهوریهای جدید در برابر فعالیتهای اسلامی بسیار ناشکیبا هستند و گروه گولن به دقت مراقب است که آنان را تحریک نکند. گروههای کوچکی نیز تشکیل می شوند تا قرائت و تفسیر یکی از پیروان نوری از کتابهایش را بشوند. ایده ها و عقاید گولن از طریق ارتباطهای شخصی نیز گسترش می یابد. همان طور که الیزابت اوزدالگا گفته است: «هدف اصلی از آرایه آموزش در این مدارس آن است که دانش آموزان بدون آنکه در معرض تبلیغات ایدئولوژیک خاص قرار گیرند، خوب آموزش ببینند. یکی از عقاید اساسی پیروان گولن این است که ارزشهای اخلاقی نه از طریق تبلیغ و ترغیب و درس مستقیم، بلکه با آرایه نمونه های خوب در تماسها و رفتار روزانه انتقال

می یابد.^{۲۰} در واقع، روش انتقال ظریف پیامها تفاوتی با اسلامی شدن اولیه این منطقه توسط احمد یوسفی و بهاء الدین نقشبندی ندارد. برخی از تحلیلگران تلاشهای این جماعت را در این منطقه، اسلام آمیخته با ناسیونالیسم ترکی می دانند.^{۲۱} با این حال، جماعت گولن در مناطق غیر اسلامی نیز مدرسه تأسیس کرده است. این جماعت در واقع می کوشد ترکیه را در این منطقه الگو و قدرت پیشرو معرفی کند.^{۲۲}

البته این به معنای آن نیست که جماعت گولن بدون برخورد با هیچ گونه مانعی پیشرفت داشته است یا حتی از حمایت دولت ترکیه برخوردار بوده است؛ به عنوان مثال، مقامات دادستانی درباره سخنان ۱۸ ژوئن ۱۹۹۹ گولن در تلویزیون به تحقیق پرداختند.^{۲۳} اجویت، نخست وزیر وقت ترکیه، که گفته بود برنامه را دیده است به جای اینکه در رسانه ها اشاره ای به آن داشته باشد، از دولت خواست موضوع را بررسی کند. او با جمله ای حتی از نظام آموزشی جنبش گولن دفاع کرد و گفت: «این مدارس فرهنگ ترکی و اطلاعات و آگاهیهای مربوط به این کشور را در دنیا گسترش می دهند و همواره نیز تحت نظارت دولت هستند.»^{۲۴} اما مشکل چه بود؟ گولن جملاتی را بر زبان آورده بود که تلویحاً نوعی انتقاد از دولت ترکیه بود. او به طور علنی عذرخواهی کرد، اما برخی از سکولاریست ها همچنان به این ظنین هستند که او می کوشد قدرت سیاسی را در نهادهای دولتی از جمله در ارتش به دست آورد.^{۲۵} یک هفته بعد از پخش سخنان تلویزیونی گولن، سلیمان دمیرل در پیامی هشدار آمیز به وی گفت: «فکر می کنم یک مرد مذهبی نباید اهداف سیاسی داشته باشد. مرد مذهب بودن کار دشواری است، اما مرد مذهبی محترم بودن فقط از طریق پیروی از قوانین و مقررات مذهب ممکن است؛ یعنی اینکه این کار از طریق نصیحت کردن انسانها ممکن می شود، نه از طریق درگیر شدن در امور دنیوی.»^{۲۶}

کاملاً روشن است که گولن و جماعت وی ممکن است در آینده دوباره با چنین اتهاماتی مواجه شوند، برخی از بخشهای دستگاه دیوان سالاری ایدئولوژیک ترکیه همچنان مانع از فعالیت جماعت گولن خواهد شد. به عنوان مثال «یوک»، یعنی شورای عالی آموزشی، تصمیم گرفته است دانشگاههای تأسیس شده توسط بنیادها و مؤسسات حامی گروه گولن در

خارج را به رسمیت نشناسد. براساس این تصمیم، دانشجویانی که خواهان انتقال از دانشگاه‌های تحت اداره جماعت گولن در خارج به دانشگاه‌های داخل ترکیه هستند چنین اجازه‌ای را نخواهند داشت. افزون بر آن، یوک هیچ گونه مدرک معادل به فارغ التحصیلان این دانشگاهها نخواهد داد.^{۲۷}

یک مورد دیگر از نگرانی‌های مربوط به جماعت گولن، در آسیای مرکزی، پس از مطرح شدن این اتهام عنوان شد که جماعت مذکور در ایجاد تنش میان ازبکستان و ترکیه نقش داشته است؛ بدین ترتیب نگرانی از جماعت گولن افزایش یافت. این نگرانی باعث تعطیلی برخی از مدارس جماعت گولن در ازبکستان شد. با این حال اجویت، نخست وزیر وقت ترکیه، همگان را به آرامش دعوت نمود و گفت: «رئیس جمهوری ازبکستان چند نگرانی نابجا درباره ترکیه دارد. ترکیه در امور داخلی دیگر کشورها دخالت نمی کند. من اهمیت زیادی برای روابط با ازبکستان قایل هستم و ما نمی توانیم اجازه دهیم این روابط بر اثر زودرنجی های بی مورد و غیر ضروری آسیب ببیند.»^{(۱)۲۸}

روابط جماعت گولن با ارتش ترکیه

ارتش ترکیه سه بار در گذشته، یعنی در سالهای ۱۹۶۰، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۰، برای بازگرداندن نظم و ثبات در کشور کودتا کرد، اما در ژوئن ۱۹۹۷ ارتش به جای دست زدن به کودتای چهارم، حزب رفاه را از قدرت ساقط کرد.^(۲)

توجیه ارتش ترکیه در مورد کنار گذاشتن حزب رفاه از قدرت این بود که افراط گرایی اسلامی در صدد به راه انداختن قیام غیر نظامی است و ارتش طبق قانون تعهد دارد حتی در صورت لزوم با استفاده از زور مقاومت کند.^{۲۹}

گولن بسیار مراقب است که خصومت و دشمنی ارتش را بر نیانگیزد. در حقیقت او

۱. پس از حادثه ۱۱ سپتامبر روابط ترکیه-ازبکستان رو به گسترش نهاد و ازبکستان به صورت یکی از پایگاههای مهم ترکیه در آسیای مرکزی درآمد است. (م)

۲. این بحث تحت عنوان کودتای سفید یا نخستین کودتای پست مدرن مورد مطالعه قرار گرفته است. (م)

سخت در تلاش است تا رهبران ارتش را متقاعد سازد که فعالیتهای وی تهدیدی برای وضعیت موجود نیست و نباید آنان را آن گونه که در مورد اسلام گرایان گفته می شود، مرتجع تلقی کرد؛ به عنوان مثال، او می گوید که «اگر لازم باشد، مدارس جماعت خود را تحویل دولت خواهد داد.»^{۳۰} هنگامی که از وی درباره تهدید ارتجاع که جزو دستور کار شورای امنیت ملی (MGK)، عمدتاً متشکل از نظامیان، است سؤال شد پاسخ داد: «این شورا یک نهاد قانونی و بخشی از دولت است. من هیچ گاه اعتقاد نداشته ام که تهدید ارتجاع در ترکیه وجود دارد. ترکیه به روشنگری نیازمند است، ارتجاع یعنی بازگشت به عقب. در عصر روشنگری که دموکراسی و سکولاریسم را تجربه کرده است، غیرممکن است که مردم ترکیه به عقب باز گردند.»^{۳۱} گرچه ارتش ترکیه به ظاهر گولن و پیروانش را به عنوان یک جنبش داخلی و غیر مرتبط با نفوذ خارجی مانند ایران و عربستان سعودی پذیرفته است، این شک و تردید هنوز وجود دارد که او می خواهد با فرستادن پیروان خود به آکادمیهای نظامی، ارتش ترکیه را از درون متحول کند. صحت این مسئله بدان معناست که جماعت گولن ارتباط دشواری با رهبران ارتش خواهد داشت. شاید هم اینکه نیز چنین شده باشد؛ زیرا گفته می شود گروه کاری غرب در اداره رییس ستاد مشترک ارتش پرونده ای را در خصوص فعالیتهای پیروان گولن در زمینه نهادهای آموزشی خارج از ترکیه آماده کرده است. اعضای ارتش همچنین از بیشتر این مدارس در آسیا دیدن کرده اند. افزون بر آن، رهبران نظامی هیچ تمایلی ندارند که، برخلاف سیاستمداران سکولار و روشنفکران ترکیه، با گولن دیده شوند.

اختلاف در حکومت بر سر گولن و جنبش وی پیامدهای سیاسی بالقوه مهمی خواهد داشت، زیرا در حالی که ارتش با ظن و بدگمانی به فعالیتهای وی نظر دارد او در میان غیرنظامیان طرفدار پیدا کرده است. در حالی که براساس گزارشها گفته می شد رهبران نظامی قصد دارند فعالیتهای گولن را در نشست شورای امنیت ملی مورد بحث و بررسی قرار دهند، هم سلیمان دمیرل و هم بولنت اجویت او را تأیید کردند.^{۳۲}

با وجودی که گولن شخصاً احترام خویش را به ارتش اعلام کرده، این نهاد عموماً با وی مخالفت کرده است. از آنجایی که محافل محافظه کار در ترکیه ارتش را بالاتر از همه دیگر

نهادهای دولتی می دانند و هیچ گاه از آن انتقاد نمی کنند، اگر ارتش قصد مخالفت شدید با گولن را داشت او حمایت غیر نظامیان را نیز از دست می داد.

روابط جماعت گولن با اسلام گرایان

روشنفکران اسلام گرا که از حزب رفاه حمایت می کردند و اینک از حزب فضیلت- حزب تأسیس شده توسط حامیان حزب رفاه پس از انحلال این حزب-^(۱) حمایت می کنند، عموماً خود را از جنبش گولن دور نگه می دارند و اظهارات خویش را به ماهیت سرفصلهای دروس مدارس این جماعت و یا ارزیابی نیت و اهداف گولن محدود می کنند. روابط این جماعت با حامیان حزب رفاه با توجه به اینکه حامیان حزب عموماً معتقدند که دستگاه حکومتی سکولار از جماعت گولن برای مسدود کردن راه آنها استفاده می کند، دچار تنش است. نجم الدین اربکان، رهبر دیرینه رفاه، حتی گولن را متهم کرد که برای تهدید کردن حزب وی، حمایت دولت را پذیرفته است.^{۳۳}

گولن در عوض بارها از سیاستهای حزب رفاه و فعالیتهايش انتقاد کرده است. فاصله گرفتن از حزب رفاه با تلاشهای گولن برای گفتگو با احزاب سکولاریست کاملاً مغایرت داشت. گولن به انسجام سازمانی خیره کننده و رشد حزبی رفاه اعتراف کرد، اما می گفت: «اگر احزاب دیگر نیز تلاش زیاد می کردند رفاه نمی توانست ۲۱ درصد از آرای انتخابات دسامبر ۱۹۹۵ را به دست آورد.» وی همچنین نتیجه گیری کرد که «آرای حزب رفاه بیش از پایگاه واقعی حامیان این حزب بود» و گفت: «دوستان ما در حزب رفاه ممکن است آزرده خاطر شوند، اما فکر می کنم سهم رفاه از انتخابات هنوز هم حدود ۱۵ درصد باشد و شاید هم کمتر از این. اکثریت کسانی که به حزب رفاه رأی می دهند کسانی هستند که از فقدان یک دولت قدرتمند و اطمینان بخش در ترکیه ناراضی اند.»^{۳۴}

۱. این حزب نیز سرانجام منحل شد و به جای آن دو حزب اسلام گرای عدالت و توسعه و حزب سعادت به ترتیب به رهبری رجب طیب اردوغان و رجایی کوتان در صحنه سیاسی ترکیه ظاهر شدند. در انتخابات زودرس پارلمانی ۲۰۰۲، حزب عدالت و توسعه پیروز شد. (م)

گولن اعتقاد داشت که حزب رفاه خود مسبب بحران سیاسی ترکیه و رویارویی با ارتش سکولاریست این کشور بود.^(۱) او همچنین بر کناری حزب رفاه از قدرت در ژوئن ۱۹۹۷ را غیر منصفانه ندانست و گفت: «امیدواریم و انشاء الله که هیچکس نخواهد توانست ترکیه را وارد دور باطلی مانند سالهای دهه ۱۹۷۰ سازد که بیرون آمدن از آن بسیار دشوار باشد.»^{۳۵} وی در واقع معتقد است که ترکیه به زحمت توانست خود را از افتادن به ورطه کشمکش عمیق از نوع کشمکشهای الجزایر نجات بخشد.

از سال ۱۹۹۶ مقامات دادستانی ترکیه این گونه استدلال کرده اند که اظهارات برخی از اعضای حزب رفاه مانند رجب طیب اردوغان، شهردار سابق استانبول، اهداف ضد سکولاریستی حزب را اثبات می کند. اردوغان قطعه شعری را قرائت کرده بود که می گفت: «مناره ها سرنیزه های ما هستند و گنبدها کلاهخود و مساجد پادگانهای ما.»^{۳۶} این سخنان باعث شد تا وی در مه ۱۹۹۸ تحت پیگرد جنایی قرار گیرد. از این رو مقامات قضایی کوشیدند تا حزب رفاه را که خطری برای نظام سکولاریستی ترکیه محسوب می شد منحل سازند، در ژانویه ۱۹۹۸ نیز به هدف خود رسیدند و احمد نجدت سزر، رییس وقت قضات دادگاه قانون اساسی و رییس جمهور فعلی، اعلام کرد که «حزب رفاه به علت ورود به فعالیت های مغایر با اصول جمهوری سکولار منحل می شود.»^{۳۷}

گولن اظهاراتی از نوع سخنان اردوغان را رد می کرد و می گفت: «چنین سخنانی برای مؤمنانی که در ترکیه برای خدا احترام قایل هستند، بی اعتبار است.»^{۳۸} وی از تعطیلی حزب رفاه حمایت کرد و حفظ نظم را مورد تأکید قرار داد، اما در عین حال گفت منطقی تر این بود که حزب رفاه به دلایل تاکتیکی منحل نمی شد. وی در عوض خواستار آن بود که پیگرد قضایی حزب رفاه تا زمان برگزاری دور بعدی انتخابات ادامه یابد. گولن در این باره اظهار داشت:

۱. این دوری گزیدن نتیجه آزمونی است که به حوادث سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۷ تکیه می کند. از حزب نظام ملی و بعد از آن حزب سلامت ملی نورچی ها هم حمایت کردند. نهایت اینکه وقتی متوجه شدند اربکان دین را به عنوان وسیله ای برای سیاست به کار می برد و تا آنجا پیش می رود که می خواهد با حزب دسته چپی جمهوری خواه خلق نیز همکاری کند، حرکت او را به عنوان اقدامی فرصت طلبانه تلقی می کند و از آن دوری می گزیند. نگاه کنید به: ماکان یاووز، همان، ص ۴۳. (م)

«اگر محاکمه در زمان مبارزات انتخاباتی باشد، اعتماد عمومی به حزب رفاه متزلزل و رفاه حزبی تلقی خواهد شد که قرار است تعطیل شود. مردم هم به آن رأی نخواهند داد و رأی دهندگان حزب به سوی احزاب دیگری روی خواهند آورد که نزدیکترین متحدان رفاه هستند و این امر باعث حصول اهداف مورد نظر خواهد شد.»^{۳۹}

گولن پیش بینی می کرد که اسلام گرایان از انحلال حزب رفاه سودی نخواهند برد و حزب اسلام گرای جدید ترکیه، یعنی فضیلت نیز به طرفداران بیشتری در میان رأی دهندگان دست نخواهد یافت. جالب اینکه در جریان تبلیغات منفی رسانه های بر ضد گولن در ژوئن ۱۹۹۹، رجایی کوتان، رهبر حزب فضیلت،^(۱) و برخی دیگر از چهره های برجسته حزب به طور علنی از گولن حمایت کردند و کوشیدند به طرفداری از وی استدلال کنند. رسانه های اسلامی نیز همین رویه را در پیش گرفتند و از گولن و جنبش وی در زمانی که سؤالاتی جدی درباره وی مطرح شده بود به حمایت برخاستند.

روابط جماعت گولن با روشنفکران سکولاریست

ظهور گولن در صحنه سیاسی در ژوئن ۱۹۹۹، بحث و جدلهای زیادی را در میان روشنفکران سکولار ترکیه دامن زد. تعداد قابل توجهی از این روشنفکران ظنین هستند که گولن با استفاده از تاکتیکهای متفاوت به دنبال همان اهداف اسلام گراهاست. آنان از این نگرانند که در پشت نمای ملایم و بی خطر گولن، آرزوهای بلندی برای تبدیل ترکیه به یک کشور اسلامی از نوع ایران نهفته باشد. ناامنی و نابردباری برخی از سکولاریست ها باعث می شود که آنان جماعت گولن را به دشمنی با جمهوری ترکیه متهم کنند. آنان همچنین از این نگران هستند که احزاب سکولار در عوض وعده گروه گولن مبنی بر عدم تأیید حزب رفاه، از وی اعلام حمایت کرده اند. روشن چاکر، نویسنده کتاب خیزش اسلام در ترکیه، می گوید: «احزاب [سکولاریست] از گولن به عنوان جایگزینی برای حزب رفاه حمایت می کنند. آنان از سلاح دشمن خویش بر ضد دشمنان خود بهره می گیرند.»^{۴۰} اسکندر ساواسیر، یکی دیگر از

۱. رهبر کنونی حزب سعادت

کارشناسان اسلام‌گرایی، اظهارات مشابهی ایراد کرد و گفت: «نمی‌توانم بگویم که گولن با دولت همدستی ندارد.»^{۴۱} وی می‌افزاید: «یک هفته‌نامه سوسیالیست، که اتهامات گهگاه احساس‌گرایانه و نامعتبرش مورد استفاده نظامیان ترکیه قرار گرفته، مدعی است که گروه گولن از دولت به ویژه از وزارت امور خارجه کمک مالی دریافت کرده است.» این نشریه همچنین مدعی است که «تانسوچیلر» مبالغ‌هنگفتی از بودجه محرمانه وزارتخانه‌اش را به مدارس گولن منتقل کرده است و این یکی از دلایل ارتباط نزدیک گولن با چیلر است.»^{۴۲}

از سوی دیگر گولن حمایت تعدادی از روشنفکران لیبرال مانند مهمت التان، علی بایرام اوغلو، مهمت بارلاس، اتین ماه جووییان، مهمت علی بیراند و چنگیز چاندار، از روزنامه‌نگاران ترکیه، را نیز به دست آورده است. این عده معتقدند که راه حل مشکلات ترکیه به حصول اتفاق نظر بستگی دارد، از این رو چهره ملایم اسلام را که گولن نماینده آن است دوست دارند؛ به عنوان مثال بیراند اخیراً گفت که «گولن عقاید اصیلی دارد و تمامی بخشهای جامعه ترکیه که ارتش نیز تلویحاً مشمول آن می‌شود، باید به طرز نگاه وی توجه کنند.»

موضع انتقادی گولن در خصوص حزب رفاه همچنین باعث شد برخی از روشنفکران محافظه‌کار، مانند التمر قلیچ از وی حمایت کنند. بنیاد روزنامه‌نگاران و نویسندگان ترکیه به مثابه نمادی از این حمایت، میزبان سفره افطاری در فوریه ۱۹۹۶ بود که در آن حدود یک هزار سیاستمدار، تاجر، هنرمند و روشنفکر برجسته حضور یافته بودند.

اهمیت جنبش گولن

بحث درباره اهمیت جنبش گولن مستلزم بررسی ساختار سازمانی خود جنبش و نیز جایگاه جنبش در نظم سیاسی و اقتصادی ترکیه و نفوذ آن در خارج است. ساختار سازمانی این جنبش، ساختاری سلسله‌مراتبی و به نوعی غیر دموکراتیک است که با توجه به نگرشهای لیبرالی جنبش و شکیبایی آن در برابر اختلافها غیرمنتظره است. گولن رهبر جنبش است و نظم سلسله‌مراتبی از بالا به پایین و از طریق تعدادی از ابیلر^(۱) (برادران بزرگتر) که روز به روز

1. Abilar

بر تعدادشان افزوده می شود، بسط می یابد. سلسله مراتب بسیار دقیق تعیین شده است و آبی (برادر بزرگتر) هر رده فقط به میزان معینی از اطلاعات مربوط به فعالیت‌های جاری یا تحت مذاکره دسترسی دارد و در عین حال موافقت کرده است که از پرسیدن سؤال یا درخواست اطلاعات درباره رده های بالاتر خودداری ورزد. یک آبی یا شخص زیردست وی ممکن است در عین حال بتواند به طور غیررسمی با آبی ها گفتگو کند و همچنین با کسانی سخن بگوید که برای نظارت بر فعالیتها منصوب شده اند.

اگر قرار باشد اعضای جماعت تحت پیگرد قضایی قرار گیرند ممکن است این نوع ساختار سازمانی مفید باشد، اما مشکلات بزرگی را نیز برای توسعه دموکراسی در داخل گروه به وجود می آورد و ممکن است بسیاری از پیروان گروه از روند تصمیم گیریها بیرون گذاشته شوند. البته کسانی که وارد این ساختار می شوند به اراده خود این کار را می کنند. با توجه به فضای فرهنگی به وجود آمده پس از تلاشهای آزادسازی سیاسی دهه ۱۹۸۰ در ترکیه، جنبش گولن جایگاه ویژه ای در جامعه ترکیه به دست آورده است. هدف گفتمان اسلامی بردبارانه این جنبش که می کوشد به اتفاق نظر دست یابد آن است که پیروانش وارد نظام سیاسی موجود شوند. جنبش گولن، سرنگونی دولت یا حتی به چالش فراخواندن وضعیت جاری را نمی پسندد. در حقیقت جنبش گولن حساسیت دارد که وارد جنجالها نشود و از پرداختن به هر موضوع جنجال برانگیز یا حتی وارد شدن به حوزه بحثهای عمومی خودداری کند، این موضوع محتاطانه باعث نوعی محدودیت خود ساخته می شود و ممکن است جنبشهای اسلامی رادیکال تر را نیز وادار کند همین رویه را در پیش گیرند.

همچنین، همان گونه که گفته شد، جنبش گولن در صدد پیوستن به جهان مدرن از طریق آشتی دادن ارزشهای مدرن و سنتی است. این تلاش برای ایجاد ترکیبی از عقاید، مشابه تلاشهایی است که آخرین متفکران ملی گرای امپراتوری عثمانی در پیش گرفته بودند؛ مثلاً ضیاء گوگالپ بر لزوم ترکیب عناصر برگرفته از فرهنگ ترکیه با عناصر مبتنی بر علوم و فن آوری غربی تأکید می کرد. گولن و مریدانش با پذیرش تمدن غربی به عنوان بنیادی مستحکم برای حیات مادی و در عین حال با در نظر گرفتن تمدن اسلامی به عنوان بنیادی

مناسب برای حیات معنوی انسان در واقع یک گام از گوگالپ جلوتر می‌روند، اما باید به این نکته توجه کرد که جنبش گولن با ویژگی محافظه کارانه خود برای کسانی جذابیت دارد که معتقدند نظام سیاسی ترکیه بیش از حد بر سکولاریسم و مدرنیته شدن تأکید می‌کند.

یکی دیگر از راههای ملاحظه جایگاه جنبش گولن در جامعه ترکیه این است که جماعت گولن را یکی از بسیار سازمانهای دیگر جامعه مدنی ترکیه در نظر بگیریم. به رغم ساختار سازمانی سلسله مراتبی، این جنبش توانسته است به علت خودمختاری از قدرت دولت نقش مهمی در جامعه ایفا کند و این توانایی یکی از ویژگیهای مهم سازمانهای جامعه مدنی است. این جنبش بخش بزرگی از جامعه را که به دولت وابستگی ندارد بسیج می‌کند. این جنبش را باید جدا از بخشی دانست که از دیرباز وابستگی نزدیکی به دولت داشته است. در همان اوایل سالهای ۱۹۲۰ استراتژی خلق بورژوازی بومی و ملی شروع شد. نتیجه این استراتژی به وجود آمدن گروهی اجتماعی بود که از پاداشهای ویژه و اقدامات حمایتی برخوردار می‌شد. برخی از صنعتگران بسیار ثروتمند که مناسبات محکمی با دستگاه دیوان سالاری دولت داشتند به وجود آمدند. با توجه به تمایل دولت برای سپردن اهرم کنترل اقتصاد ترکیه به این صنعتگران ثروتمند، رقابت از میان رفته است و اراده سیاسی مردم کارآمدی خود را از دست داده و از نظر توانایی برای تأثیرگذاری بر اقتصاد حتی بی‌معنی شده است.

با این حال در سالهای دهه ۱۹۹۰، سیاستهای اقتصادی به سمت آزادی بیشتر گرایش یافت و تغییر کانون توجه به صنعتی سازی متمایل به صادرات موجب ظهور بازرگانان جدید، پویا و کوچک و متوسط متمایل به صادرات شد که بسیاری از آنان در شهرهای سنتی محافظه کاران آناتولی مستقر هستند. این بخش از جامعه را جنبش گولن بسیج کرده است. طبقه اقتصادی نوظهور متمایل به صادرات احتمالاً با ساختار اقتصادی موجود به چالش برخورد خواهد داشت و برای پایان دادن به سیاستهای نابرابر به دستگاه دیوان سالاری دولت فشار وارد خواهد ساخت. همچنین ممکن است گفته شود که فعالیتهای اقتصادی وابسته به جنبش گولن به بخشی از یک اقتصاد جایگزین تبدیل شده است. این جنبه از جنبش گولن با تمرکز به کار و تلاشهای منضبط که از ارزشهای ملی و مذهبی انگیزه گرفته است آن را با جنبش

پروتستانی قرن شانزدهم قابل قیاس می‌سازد. همان گونه که وبر در کتاب کلاسیک خود با عنوان اخلاقیات پروتستان و روح سرمایه‌داری می‌گوید: «ارزشهای مذهبی - معنوی می‌توانند مردم را به کار سخت و انباشت ثروت ترغیب و تشویق کنند.» در مورد ترکیه با توجه به اصرار کنونی بر پیروی از الگوی سخت‌گیرانه دولت سکولار، شهروندان ممکن است بخواهند عبادت «بی‌خطر» را از طریق کار سخت برای دست‌یابی به نوسازی اقتصادی و توسعه برگزینند یا اینکه ممکن است خود تأدیبی مورد تشویق اسلام را هنگام کار سخت مورد توجه قرار دهند. در حقیقت گولن از اصطلاح «خدمت» برای بیان این نکته استفاده می‌کند که پایانی برای خدماتی که به منظور ساختن یک جامعه آرام و صلح‌آمیز انجام می‌گیرد، متصور نیست.

در عین حال او می‌گوید که «انرژی شخص برای خدمت کردن از اعتقادات سرچشمه می‌گیرد و خدمت کردن به جامعه‌ای که شخص در آن زندگی می‌کند مهمترین راه جلب رضایت خداوند و دست‌یابی به بهشت ابدی است.» این استدلال مشابه همان چیزی است که وبر «اصول ریاضت دنیوی» یا همان اصول لازم برای توسعه سرمایه‌داری می‌نامد. در مورد اهمیت جنبش گولن در فراسوی مرزهای ترکیه نیز باید گفت که کشورهای ترک زبان قفقاز و آسیای مرکزی^(۱) که در آنها تأکید گولن بر اسلام نوع ترکیه احتمالاً باعث تضعیف جذابیت پیامهای ارسالی از ایران خواهد شد، مستعدترین مناطق برای گولن محسوب می‌شوند. جنبش گولن در دنیای بزرگتر اسلامی چالشی در برابر اسلام‌گرایی است، و عقاید آن مخاطبان زیادی در میان کسانی دارد که به جهان خارج دسترسی دارند؛ یعنی کسانی که عموماً آمادگی بیشتری برای روی آوردن به اسلام‌گرایی دارند.

بدین ترتیب عقاید گولن در مقایسه با سازمان وی از بخت بسیار بیشتری برای جلب مخاطب در میانه دولتهای اقتدارگرا برخوردار است و ناشکیبایی عمومی در برابر برداشتهای تازه از اسلام می‌تواند مانع از آن شود.

۱. تمام این کشورها ترک‌زبان نیستند؛ به عنوان مثال می‌توان به تاجیکستان اشاره کرد. (م)

نتیجه گیری

ویژگی منحصر به فرد جنبش گولن در تلاشهای این جنبش برای احیای ارزشهای سنتی به عنوان بخشی از تلاشهای نوسازی نهفته است. از جمله تلاشهایی که برای نوسازی در ترکیه صورت می گیرد می توان به برنامه رسمی دولت این کشور اشاره کرد.

تاکنون این جنبش موفقیت‌هایی داشته است و می‌کوشد سرزمینهای به لحاظ تاریخی گوناگون ترکیه را هماهنگ و یکپارچه سازد و میان صدها سال سنت و نیاز به نوسازی و مدرنیته آشتی برقرار سازد که البته این کار بسیار دشواری است. به طور خلاصه گولن در پی ساختن اسلامی خاص ترکیه، به یاد آوردن امپراتوری عثمانی، اسلامی کردن ناسیونالیسم ترکی، باز آفرینی ارتباطی مشروع میان دولت و دین، تأکید بر دموکراسی و مدارا، و تشویق مناسبات با جمهوریهای ترک زبان است.

جنبش گولن ظاهراً هیچ تمایلی ندارد که به یک حزب سیاسی تبدیل شود یا بخواهد به قدرت سیاسی دست یابد. گولن برعکس همچنان سنت دیرینه صوفیگری را در جستجو برای پرداختن به نیازهای معنوی مردم، آموزش توده‌ها و کمک به برقراری ثبات در مواقع بروز بحران پی گیری می‌کند. درباره گولن نیز مانند بسیاری از شخصیت‌های صوفی پیشین از جمله جلال الدین رومی، عارف برجسته قرن سیزدهم، به غلط می‌پندارند که در پی دست‌یابی به قدرت سیاسی است. با این حال هرگونه تغییری در این موضع غیر سیاسی به شهرت جماعت وی لطمه بزرگی خواهد زد و سرانجام اینکه آینده گروه گولن را توانایی این جنبش برای تبدیل شدن به یک جماعت روشن ضمیر انعطاف پذیر و دموکراتیک، و اصلاح و بهبود روابطش با رهبران نظامی ترکیه و نخبگان سکولار این کشور تعیین می‌کند. اگر این تلاشها به موفقیت برسد این گروه تأثیری مهم بر دولت و جامعه ترکیه و نیز بر تغییرات دهه‌های آینده این کشور خواهد گذاشت و گولن نیز در ترکیه نوین چهره مذهبی مهمتری خواهد بود. □

پاورقیها:

1. See Niyazi Berkes, *The Development of Secularism in Turkey*, London: Routledge, 1998.
۲. برای اطلاعات بیشتر، رک:
Serif Mardin, *Religion and Social Change in Modern Turkey: The Case of Bediuzzaman Said Nursi*, Albany: State University of New York, 1989.
۳. ارز روم نزدیک مرز ترکیه و ایران است که تعداد زیادی از مهاجران قفقازی در آنجا مستقر بوده اند و گفته می شود که در اینجا اسلام ملی گرایانه و دولت محور ارایه شده است.
4. The Infinite Light, The Lights of the Way, Questions, Towards the Lost Paradise, and Truth through Colors. In addition, the second half of the 1990s witnessed numerous (speculative, popular, and scholarly) studies of Gulen's life and his community. For example, see Oral Calislilar, *Fethullah Gulen'den Cemalettin Kaplan'a*(From Fethullah Gulen to Cemalettin Kaplan), Istanbul: Pencere Yayınevi, 1998; Eyup Can, *Fethullah Gulen Hocaefendi ile Ufuk Turu* (A Tour of New Horizons with Fethullah Gulen), Istanbul: AD Yayınevi, 1995; Nevval Sevindi, *Fethullah Gulen ile New York Sohbetleri* (Conversations with Fethullah Gulen in New York), Istanbul: Sabah Yayınevi, 1997; Mehmet Ali Soydan, *Fethullah Gulen Olayi* (The Case of Fethullah Gulen), Istanbul: Birey Yayınevi, 1999; Osman Ozsoy, *Fethullah Gulen Hocaefendi ile Mulakat*, (An Interview with Fethullah Gulen), Istanbul: Alfa Yayınevi; 1998, *Medya Aynasında Fethullah Gulen*, (Fethullah Gulen as Portrayed by the Media), Istanbul: Gazeteciler ve Yazarlar Vakflar Yayinlari, 1999.
۵. برای مثال، رک:
M. Fethullah Gulen, *Varlığın Metafizik Boyutu* (The Metaphysical Dimension of Existence), Istanbul: Feza Yayınevi, 1998.
6. *Nokta*, February 5-11, 1995, pp. 16-18.
7. Fethullah Gulen, *Fasıldan Fasıla 1*, Izmir: Nil Yayınevi, 1995, p. 223.
8. Alistair Bell, "Turkish Islamic Leader Defies Radical Label," *Reuters*, Aughust 7, 1995.
9. *The Turkish Daily News*, February 18, 1995.
10. Ibid.
11. Alistair Bell, "Turkish Islamic Leader."
12. *Tempo*, February 7, 1997, pp. 46-50.
13. See the series in *Milliyet*, August 10-13, 1997.
14. *Milliyet*, March 26, 1995.
15. *The Turkish Daily News* and *Milliyet*, July 21, 1998.

16. Dail F. Eickelman, "Inside the Islamic Reformation," *Wilson Quarterly* 22, No. 1, Winter 1998, pp. 84-85.
17. Wendy Kristianasen, "New Faces of Islam," *Le Monde Diplomatique* (English edition), July 1997.
18. *Hurriyet*, November 3, 1996.
19. *Milliyet*, November 4, 1996.
20. Elisabeth Ozdalga, "Entrepreneurs with a Mission: Turkish Islamists Building Schools along the Silk Road," Paper delivered at the Annual Conference of the North American Middle East Studies Association, Washington D. C., November 19-22, 1999.

۲۱. برای نمونه، رک:

M. Hakan Yavuz, "Societal Search for a New Contract: Fethullah Gulen, Virtue Party and the Kurds," *SAIS Review*, Vol. 19, No. 1, Wintre/ Spring 1999.

۲۲. در خلال سلسله گفتگوهایی در آگوست ۱۹۹۹ با دانش آموزان مدارس عالی این جماعت در آذربایجان و ترکمنستان که برای گذراندن تعطیلات به ترکیه برده شده بودند، آنان سپاس و قدردانی خود را نسبت به تلاش معلمانشان برای آموزش خود ابراز می کردند. تلقی آنان از ترکیه بر تصویری برنامه ریزی شده از معلمانشان مبتنی بود؛ به عنوان مثال، آنان رفتار خوب معلمان خود را به تمامی مردم ترکیه نسبت می دادند.

23. *Anatolia*, June 19, 1999.
24. *Anatolia*, June 22, 1999.
25. *Show TV News Bulletin*, June 24, 1999.
26. *Anatolia*, June 24, 1999.
27. *Hurriyet*, June 27, 1999.
28. *Anatolia*, June 21, 1999.
29. *The Hindu*, February 19, 1998.
30. *Milliyet*, Desember 30, 1997.
31. Ibid.
32. Nicole Pope, "Generals Get Their Way," *Middle East International*, No. 571, March 27, 1998, p. 14.
33. *The Turkish Daily News*, February 18, 1995.
34. *Milliyet*, August 31, 1997.
35. Ibid.
36. *Milliyet*, December 27, 1997.
37. *The New York Times* and *The Washington Post*, January 17, 1998.
38. *Milliyet*, December 30, 1997.
39. *Milliyet*, August 31, 1997.

40. Alistair Bell, "Turkish Islamic Leader."
41. Nadire Mater, "Rise of Secular Priest Seen as a Threat by Islamicists," *Inter Press Service*, February 22, 1995.
42. *Aydinlik*, March 23, 1997.
43. *Sabah*, May 11, 1997.

